



کارکردهای یاد واقعه عاشورا در جهان امروز چیست؟

کتاب رنج عرفانی و شور اجتماعی؛ کارکردهای یاد واقعه عاشورا در جهان امروز را درآمدی بر کارکردهای معنا بخشی، هویت بخشی و انسجام بخشی رنج‌های وجودی و متعالی می‌داند.

کتاب رنج عرفانی و شور اجتماعی؛ کارکردهای یاد واقعه عاشورا در جهان امروز را درآمدی بر کارکردهای معنا بخشی، هویت بخشی و انسجام بخشی رنج‌های وجودی و متعالی می‌داند.

به گزارش خبرنگار مهر، کتاب رنج عرفانی و شور اجتماعی؛ کارکردهای یاد واقعه عاشورا در جهان امروز نوشته حبیب‌الله بابایی با مقدمه محمد لگنهاوسن به همت انتشارات علمی و فرهنگی در سال ۱۹۹۳ در ۱۳۰ صفحه منتشر شد.

این اثر تلاشی است برای بررسی دیگر کارکردهای عاشورا که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده کتاب صورت بندی این مجموعه مقاله را مرهون همراهی بسیاری از اندیشمندان و استادان در غرب و ایران دانسته است. شروع این پروژه در سال ۲۰۰۸ در مؤسسه مطالعات پیشرفته در فرهنگ بوده و مقاله نخست آن (در نوشتار حاضر) ابتدا در دانشگاه تمپل به چاپ رسیده است.

نویسنده در مقدمه خود در کتاب بیان می‌کند که «بدون شک صورت بندی این نظریه در سنت اسلامی نمونه ای از تلاش جمعی و بین‌الادیانی در موضوعات مشترک الهیاتی مانند مقوله «رنج» است که هر یک از اندیشمندان مسلمان، مسیحی و یهودی در آن مشارکت جسته و به طور غیر مستقیم با یکدیگر به گفت و گو پرداخته اند.»

در ادامه نویسنده کتاب فرایند و چگونگی شکل‌گیری ایده و نظر خود را توضیح می‌دهد.

نبود مطالعات نوین در مورد کربلا و فقدان رویکرد جدید به مسئله عاشورا و غفلت از ظرفیت‌های فراوان آن در مواجهه با نیازهای انسان معاصر، زمینه و بستری بوده تا نویسنده از دو سال فرصت مطالعاتی در مؤسسه مطالعات پیشرفته در فرهنگ (IASC) خود را پیش برد ایده و نظر در قالب پژوهشی که منجر به این کتاب شده است سود جوید. مهم‌ترین پرسش این پژوهش «امکان انسجام از رهگذر یاد رنج» است. رنج و محنت همیشه با آدمی بوده و گریز از آن امکان‌پذیر نیست. البته آدمی دچار انواع و اقسام رنج‌ها و مصیبت‌ها در زندگی چندروزه خود در این کره خاکی است. در این میان رنج و محنت متعالی (وجودی) نقش بسزایی در رشد و کمال انسان دارد. نمونه کامل این گونه از رنج و محنت را در واقعه عاشورا می‌توان مشاهده نمود.

وضعیت انسان معاصر در عصر جدید دردها و رنج‌های او را دوچندان کرده است. نویسنده کتاب در مقدمه خود پس از بررسی وضعیت نوین معاصر در غرب که آن را وضعیت متکثر نوین می‌داند به راهکارها و رویکردهای مختلف نسبت به این وضعیت متکثر نوین اشاراتی نموده و به توضیح رویکرد الهیاتی و جایگاه رنج‌های متعالی در الهیات معطوف به این وضعیت می‌پردازد. شکاف و گسست میان «خود و دیگری» امروزه و در عصر جدید، زمینه‌ها و علل جدیدی یافته و این گسست به «من و من» نیز رسوخ کرده است.

وضعیت منکر نوین در ایران و خلأهای الهیاتی در رویکردهای روشنفکری و جایگاه رنج متعالی در ادبیات روشنفکری از دیگر موضوعاتی است که در این مقدمه بدان توجه شده است. وی معتقد است که یادآوری عاشورا در مواجهه با جنبه‌های متکثر و تفاوت‌های حاصل از آن ظرفیت‌های فراوانی برای حل رنج‌های نوین و همچنین ایجاد زمینه برای گفتگوی بین‌الادیانی و همزیستی بین پیروان ادیان مختلف را داراست.

فصل‌های کتاب بگونه‌ای تنظیم شده و سامان یافته‌اند که هرکدام قدم‌هایی برای تبیین گام به گام نظریه طرح شده در آن هستند. در ابتدا مقدمات و دلایل و نتایج ایده نویسنده به اجمال توضیح داده شده و پس از آن ابعاد نظریه تبیین شده است. پس از آن در فصل سوم دو پرسش مورد توجه قرار داده شده است:

(الف) آیا تجربه رنج، مصیبت، شهادت و همین‌طور یاد آن موجب نفی و تهی شدن از خود نمی‌شود؟

(ب) چگونه می‌توان با اثبات خود (در عزت نفس) کرامت دیگران را محفوظ داشت و راه را برای انسجام اجتماعی و یا

در انتها و گام نهایی (فصل چهارم) نیز این نظریه در تاریخ اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. همانطور که نویسنده اذعان دارد «نوشته حاضر درآمدی است بر کارکرد معنا بخشی، هویت بخشی و انسجام بخشی رنج های وجودی و متعالی، تا از رهگذر تأمل در این رنج ها (با تأکید بر نمونه سیدالشهدا در سنت اسلامی)، راه دیگری را در گفت و گوی بین الادیان، همزیستی بین الادیان و احیاناً در نجات مشترک بین الادیان پیشنهاد کند، و ضرورت پاس داشتن و یاد و خاطره این رنج ها را برای کنترل یا کاهش رنج های سکولار امروز یاد آور شود.»

«تحلیل «رنج وجودی» (رنج برای نیل به کمال) و تفکیک آن از «رنج عدمی» (رنج از فقدان و نداشتن ها) می تواند افق های تازه ای در موضوع «محنت» و نسبت آن با معنا و معنویت فراروی انسان رنجور معاصر بازگشاید.»

کتاب حاضر، درآمدی بر کارکردهای معنا بخشی، هویت بخشی و انسجام بخشی رنج های وجودی و متعالی است. یکی از مؤلفه های مهم و اثرگذار در میان الهیات دینی را می توان مصائبی دانست که پیامبران و انسان های کامل را در راه رساندن پیام الهی و در طریق ارزش های قدسی تحمّل کرده اند. نمونه کامل این رنج متعالی را در واقعه کربلا می توان مشاهده کرد. نظریه اصلی مطرح شده در این کتاب این گونه تعریف شده است: «یاد رنج های متعالی، که نمونه های برین آن را در تاریخ ادیان به ویژه در تاریخ دین خاتم می توان مشاهده کرد، می تواند راهی برای زیست توحیدی در عصر متکثّر نوین باشد.»

یاد واقعه و رخداد عاشورا در میان شیعیان و حتی در میان دیگر مسلمانان و حتی پیروان دیگر ادیان امری فراموش نشدنی، بزرگ و شگرف است. یاد و ذکر این واقعه ظرفیت های فراوانی برای توجه به آن و بهره مند شدن از این چشمه جوشان را دارد. توجه به جنبه سیاسی و انقلابی یکی از جنبه های آن است که نباید این امر مانعی برای بی توجهی به دیگر ابعاد، از جمله ابعاد عرفانی و اجتماعی یاد و ذکر واقعه عاشورا باشد. از جمله امور مغفول مانده در خصوص عاشورا و یاد و ذکر آن واقعه، توجه الهیاتی بدان است. چگونگی رابطه مؤمن سوگوار، با خداوند متعال می تواند محملی مهم برای توجه و نظریه پردازی الهیاتی و کلامی باشد. الهیات تعزیت و سوگواری از جمله انواع الهیات است که جا دارد متالهان و متکلمان بدان توجه نمایند. البته این امر، یعنی «نظریه پردازی الهیاتی و کلامی در موضوع محنت و مصیبت، {در میان متکلمان و متالهان مسلمان و شیعی} بسیار اندک و گاه ناچیز بوده است.»

حبیب الله بابایی اخیراً در یادداشتی در مورد این اثر نوشته است: کتاب «رنج عرفانی و شور اجتماعی»، روایتی «متعهدانه» (در تضاد با روایت فدیّه ای) از عاشورا است. شبیه سازی های صوری بین اسلام و مسیحیت و گاه هم استفاده از واژه های مشترک خلط و خبط های عمیقی را در الهیات تطبیقی موجب می گردد که لازم است پیوسته آن را توضیح داد و از این همانی سازی های سطحی جلوگیری کرد. یکی از این واژگان مشترک در زبان انگلیسی کلمه redemption (رهایی) است که در غرب مسیحی هم در مورد آلام عیسی مسیح بکار رفته است، و هم در مورد آلام اهل بیت علیهم السلام و مصائب امام حسین علیه السلام (مثلاً در کتاب محمود ایوب با عنوان Redemptive Suffering in Islam: A Study of the Devotional Aspects of Ashura in Twelver Shi'ism) استفاده شده است. واژه دیگری که بستر این التقاط معنایی را میان دو طیف فکری مدرن و سنتی موجب گردیده است، کلمه رنج (suffering) در ادبیات مسیحی و طرح و بحث از آن را در فضای اندیشه اسلامی است که گاه بدفهمی هایی را موجب گردیده است.

کتاب «رنج عرفانی و شور اجتماعی» که از منظر روشنفکری متهم به نگاه فدیّه ای به عاشورا، و از منظر سنتی متهم به نگرش عرفی و سکولار به عاشورا است در میانه نگاه عرفی و نگاه فدیّه ای قرار گرفته است. این کتاب که طراحی گام های اولیه آن در دانشگاه ویرجینا و پایان آن در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بوده، هر چند سویه های دنیوی و کارکردهای اجتماعی عاشورا در عصر جدید را پی گرفته است، ولی در این جستجو علاوه بر گفتگو و همزیستی بین الادیان بر مبنا و محور «آلام متعالی امام شهید»، به عنصر «رهایی»، «نجات»، و «ابدیت» مشترک بین الادیان در پرتو ذکر مصائب امام امت (امام به مثابه امت یا امام در مقیاس امت) نیز می پردازد و آن را به لحاظ کلامی و الهیاتی امری محتمل و مؤثر در دوره غیبت می داند.

به بیان دیگر، پی گرفتن ابعاد دنیوی، اجتماعی و تمدنی عاشورا نه به معنای تقلیل و فروکاستن عاشورا به مسئله های عصری و معضلات اجتماعی است، بلکه به معنای بسط و توسعه عاشورا از امور عرفانی به ساحات عرفی، و از عرصه های دینی به ساحات های دنیوی زمانه است. بسط الهیات عاشورا از دین به دنیا بسیار متفاوت است از فروکاستن عاشورا و ابعاد غیبی آن به اموری محسوس، اینجایی، و اکنونی. از این رو لازم است چندین نکته را در باره «نظریه رنج عرفانی» در کتاب فوق و آنچه آن را از نگرش های فدیّه ای جدا کرده و بلکه آن را در تقابل با رویکردهای فدیّه ای قرار می

دهد، متذکر شد:

۱. نخست اینکه، هم در نگرش متعهدانه و هم در نگرش فدیة ای، رنج رخ داده برای امامی همچون امام حسین علیه السلام یا پیامبری همچون عیسی مسیح علیه السلام (طبق باور مسیحیان)، «رنج برای» (suffering for) یا رنج خودخواسته، رنج معنادار، رنج سازنده، و البته رنجی ثمربخش است، لیکن متعلق «برای» (for) در نگرش فدیة ای دفع بلا و بخشش گناه است (نگرش سلبی در جهت دفع گناه)، در حالی که متعلق «برای» در نگرش متعهدانه به عاشورا، هدایت انسان و مصونیت او در برابر گناه در همین دنیا (و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة وحيرة الضلالة) است. اینکه مرحوم قاضی طباطبایی مسیر توسل به سیدالشهداء را در سلوک الی الله حیاتی می داند و «آن حضرت را برای رفع حجاب و موانع طریق نسبت به سالکین راه خدا دارای عنایتی عظیم» معرفی می کند، بر همین معنای ایجابی عاشورا دلالت دارد.

پروفسور محمد لگنهاوسن که مقاله ای را با عنوان «Ashura» در مجله ISLAMOCRISTANA در سال ۲۰۱۰ نوشته است، به همین ایده «رنج برای» در کتاب «رنج عرفانی و شور اجتماعی» اشاره می کند و ابعاد سازنده آن را چنین توضیح می دهد «که اگرچه رنج امام حسین (ع) می تواند تأثیری در دوری مردم از گناه داشته و زندگی اجتماعی را به سمت همبستگی پیش ببرد، ولی همواره در توجه به رنج ها و آلام فرد بی گناه، خطر انتقام کور وجود دارد. «نظریه رنج متعالی» این نکته را پاسخ می دهد که گرایش به خشونت در یاد آلام امام مظلوم زمانی از بین می رود که آلام و مصائب امام را به گونه ای یاد کنند که این یاد، ما را به ارزش های آن امام شهید کامل رهنمون شود. در این گونه از یادکردن، تمرکز نه بر آن «رنج» بلکه بر آن هدفی است که رنج و درد برای آن شکل گرفته و تحمل گردیده است.» (ص ۲۵). لگنهاوسن این نکته را ادامه داده و می گوید که «گناهان ما با خون شهدا شسته نمی شود، بلکه از رهگذر تأمل بر الگوی زندگی شهید و التزام و تعهد به اخلاق دینی و اصول معنوی شهداست که آدمی راه صلاح می رود و گناه اش از بین می رود.»

۲. در نگرش فدیة ای، فرد متعهد، آن امام یا آن پیامبر کشته شده است و مردم در برابر آن رنج و مصیبت و درد و کشته شدن تعهدی و مسئولیتی ندارند، در حالی که در نگرش تعهدآورانه از «رنج متعالی»، وجود مسئولیت و تعهد امام، تعهد امت را زائل نمی کند. هر میزان امام تعهد بیشتری پیدا می کند، امت نیز به همان اندازه متعهد می شود. عدم تعادل و توازن بین تعهد امام و تعهد امت موجب شکاف بین امت و امام و جدایی امت از امام و انحراف و گمراهی امت از مسیر امام می گردد.

۳. در نگرش فدیة ای نوعی از خودخواهی انسان و شاید خودمرکزی (نوعی از انسان خدایی) نهفته است که در آن انسان (آن هم انسان عرفی زده و دنیوی شده) در مرکز قرار می گیرد و پیامبر و امام، تبدیل به دیگری (other) او می شود، دیگری ای که باید در خدمت انسان دنیوی شده قرار بگیرد و مسئولیت خطاهای انسان را برعهده بگیرد و به وقت اش هم باید برای همین انسان عرفی و گناهان او فدا شود. تحلیل یا توصیفی که رنه ژیراد از فرایند بلاگردانی (scapegoating process) در وضعیت تضاد و تنازع انسانی (جامعه هابزی) مطرح کرده و کشته شدن عیسی بی گناه مظلوم را عامل وفاق و اشتراک و انسجام بین فردهای دشمن توصیف می کند بر همین اساس است؛ ولی در نگرش متعهدانه، پیامبر شهید و یا امام شهید، نه دیگری ما، بلکه خودی ما و از ماست و برای رهایی از ویژگی های نزاع و دشمنی بین انسان و انسان، باید نسبت به آن امام امت «معرفت» پیدا کرد، به او محبت ورزید، و در عشق به او خود را فدا کرد. تأسی به امام و کسب روحیة فداکاری از سوی امت، نه به معنای توکیل (وکیل کردن امام و سپردن مسئولیت خود به او) بلکه به معنای توکل (یا همان تعهد و به دوش کشیدن مسئولیت خود) است که با نگرش فدیة ای تفاوت های بنیادینی دارد.

محمدرضا قائمی نیک، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مورد این یادداشت می نویسد: من این تفاوت ها را البته در جایی دیگر دنبال کرده بودم و آن تفاوت روایت کرکگور از ماجرای حضرت ابراهیم با روایت حضرت رضا علیه السلام در عیون اخبار الرضا در ذیل آیه و فدینا بذبح عظیم بود.

اما همان طور که اشاره فرمودید در نگاه شیعی بر خلاف نگاه فدیة ای، نوعی معقولیت دیده می شود در حرکت امام؛ اما به نظرم اوج این یادداشت بند سوم است که نگرش فدیة ای را نوعی خودمرکزی دنیوی شده معرفی فرمودید که کاملاً درست است و ویر هم با تعبیر «زهد دنیوی» (زهد معطوف به دنیا با زهد با منطق دنیوی) در بین کالونیست ها بدان اشاره دارد و همین را منشأ سرمایه داری می داند.

اما نکته ای که به نظرم می رسد و در بین غربی ها افرادی مثل اریک وگلین بهش اشاره دارند اینه که در تجدد، در وهله

اول فرایند دنیوی شدن یا سکولار شدن و عرفی شدن شکل گرفت اما این فقط یک وجه قضیه است که بیشتر هم در ایران شناخته می شود و ماحصلش تفکیک اقتصاد و سیاست و علم و ...; از دین بود. اما فرایندی که در ادامه و حدوداً از قرن نوزده رایج شد و وگلین در تحلیل کنت و هگل بهش اشاره میکنه، فرایند قدسی سازی (در مقابل دنیوی شدن) همان امر دنیوی یعنی مثلاً علم و سیاست و اقتصاد و ...; بود.

اگر این را بپذیریم اهمیت این دست یادداشت های شما در وضعیت فعلی ما بیشتر می شود چون چنین تفکیک های دقیقی ما را از غلتیدن در آن قدسی سازی های قرن نوزده که یک از جلوه هایش، سرمایه داری مدرن است می رهند.